

یادداشت حقوقی

●●●

ضعف ها و قوت های قانون جدید آیین دادرسی کیفری

●●●

امید ادیب- بخش چهار دهم / قانون جدید آیین دادرسی کیفری که از ابتدای تیر ماه امسال اجرایی شده،ویکر دوباره ای در حفظ و حراست از حقوق شهروندی در مر احل مختلف تحقیقات وادرسی دارد. در شماره‌های پیشین این مجموعه، به مواردی مانند ملا حظات قانونگذار در باره اشپای مورد بارزسی باتوقیف و کنترل های مخایراتی پرداختم. در این شماره به اجمال، نگاهی به تفاوت های قانون فعلی وقبلی در نحوه احضار متهم خواهیم داشت. در ماده ۱۶۸ قانون جدید و تبصره آن مقرر شده است: «بازپرس نباید بدون دلیل کافی برای توجه اتهام، کسی را به عنوان متهم احضار ویا جلب کند. تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی تادرجه چهار است.» تبصره این ماده، حکم جدیدی است که می تواند به عنوان یک ضمانت اجرای جدی برای احضار های واهی مورد نظر قرار گیرد. در حالی که در قانون قبلی چنین الزامی وجود نداشت. در ماده ۱۷۲ نیز، مقرره جدیدی گنجانده شده که هدف اصلی آن، حفظ ابرو و حیثیت فرد احضار شده است. این ماده تأکید کرده است که ابلاغ احضاریه توسط مأموران ابلاغ، «بدون استفاده از لباس رسمی و یا ارائه کارت شناسایی انجام می شود.» همچنین در مواد بعد نیز احکام جدیدی پیش بینی شده است که نشان از تغییر رویکرد دقتن نسبت به موضوع ابلاغات دارد. به رسمیت شناختن امکان واگذاری امر ابلاغ به بخش خصوصی که در ماده ۱۷۶ مطرح شده، می تواند کیفیت خدمات قضایی در بخش ابلاغات را به میزان محسوسی افزایش دهد. توضیح این که در حال حاضر بخش زیادی از ابلاغات توسط نیروهای وظیفه انجام می گیرد که این امر تبعات خاص خود را دار د؛ از جمله عدم تعهد و عدم مسئولیت ابلاغ کننده در صورتی که د موجب عدم تکمیل فرآیند ابلاغ و تجدید جلسات و در نتیجه اطاله دادرسی می شود. با تصویب آیین نامه مربوط به واگذاری ابلاغات به بخش خصوصی که در ماده ۱۷۶ پیش بینی شده، می توان به بهبود شرایط ابلاغ ها امیدوار بود. در این ماده آمده است: «وقضاییه می تواند پیش ازوقوع قضایی ارب بخش خصوصی واگذار کند. چگونگی اجرای این ماده به موجب آیین نامه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون توسطوزاری دادگستری و ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه می شود و به تصویب ریادش قوه قضاییه می رسد. باتوجه به این که قانون آیین دادرسی کیفری از ابتدای تیر ماه لازم الاجرا شده، برای تصویب این آیین نامه تا ابتدای دی مافرصت باقی است. همچنین تا ۱۷۵ نیز در حکمی جدید، استفاده از سامانه های (ایستسم پیامر) ایادیه و محارباتی مانند پیام رتکار (ایمیل)، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن را برای «طرح شکایت یا دعوی، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ وراق قضایی و همچنین نیابت قضایی بار عایت مقرر اراجع به دادرسی الکترونیکی» ابلا مانع دانسته است. البته این امر هم مانند واگذاری ابلاغ به بخش خصوصی منوط به تصویب آیین نامه مربوطه توسط رئیس قوه قضاییه است.

تامین اجتماعی حق عائله مندی و موانع اجرای قانون جدید

جواد نونائین- تاپیش از تصویب قانون «اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده»، داشتن فرزند بیشتر، محدودیت های متعدد اقتصادی برای خانواده ها در پی داشت. سال ۱۳۷۲ بود که قانون جدید تنظیم خانواده و جمعیت، تصویب شد. سیاست دولت وقت، مبتنی بر مهار افزایش جمعیت و کنترل موالید بود. طبق قانون تصویب شده، کارگران زن، پس از فرزند سوم، نمی توانستند از حق نرم خصوصی زایمان استفاده کنند و صدور دفتر چه بیمه در مانی تأمین اجتماعی برای فرزند چهارم به بعد مستلزم پرداخت حق بیمه مجزا بود. این رویه، با تصویب قانون «اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده» در تیر ماه سال ۱۳۹۲، تغییر کرد. بر اساس این قانون، «کلیه محدودیت های مقرر در قانون تنظیم خانواده و جمعیت مصوب ۱۳۷۲/۴/۱۳۷۲ و اصلاحات آن وسایر قوانین که بهر اساس تعداد فرزندان برای والدین شاغل یافرزندان آنان ایجاد شده بود» لغو شد. بخشنامه ای در این زمینه نیز صادر شد، با مالی ناشی از اجرای قانون است. پرداخت حق عائله مندی برای بیش از دوفرزند، باعث افزایش حقوق کارگران می شد. برای کارفرمایان، به ویژه کارفرمایانی که کارگاه های بزرگ را اداره می کنند، این افزایش ناگهانی قابل پذیرش نبود. به همین دلیل آن هاتر جیح می دادند از کارگرانی استفاده کنند که فرزند کمتری دارند. متأسفانه در قانون جدید، هیچ تشویقی برای کارفرمایانی که قانون را اجرا می کنند، در نظر گرفته نشده است و این مسئله اجرای قانون را با مشکلات متعدد روبه رومی کند.

مسئله دوم، عدم پیش بینی نظارت مؤثر بر اجرای قانون و در نظر گرفتن ضمانت اجرای اهاری مؤثر برای جلوگیری از بروز تخلف های احتمالی است. هر چند بر اساس قانون تأمین اجتماعی، به موارد مربوط به اختلاف کارگرو کارفرما در باره حق عائله مندی، در شورا های حل اختلاف رسیدگی می شود، اما باید توجه کرد که نظارت بر اجرای قانون و ضمانت اجرای آن، نمودقوله جداگانه اند. بیشتر کارگران، به دلیل فقدان امنیت شغلی، حاضر به طرح شکایت در مراجع ذی صلاح نیستند. بنابراین بهتر بود در قانون «اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده»، موضوع نظارت نیز به شکلی کارآمد پیش بینی می شد تا برای رسیدگی به این قبیل مسائل، کمتر به طرح شکایت کارگران نیاز باشد.

متن گفتاری از حجت الاسلام والمسلمین محمد الهی خراسانی

۱۶ درس از شعار اصلی «زیارت عاشورا»



■ **درس نخست: دشمن تراشی ممنوع!**
نخستین درسی که از نخستین عبارت این شعار عمیق زیارت عاشورا می توان فهمید، این است که هیچ گاه خودمان تعامل را به تئارع تبدیل نکنیم. «انی سلم لمن سالمکم» ووقتی طرف مقابل خود را با ارزش های دینی ما درگیر نکرده است، ما و را واداد به درگیری نکنیم. وقتی طرف مقابل خود را دشمن ما نمی داند، ما و را به دشمن خودمان تبدیل نکنیم. پس دشمن تراشی، ممنوع! و «حرب لمن حربکم» یعنی جنگ و درگیری من فقط با کسی است که با شما می جنگد. وقتی کسی با شما های دینی ما سر جنگ ندارد، این هنر نیست که با او درگیر شویم و جبهه معارض خودمان را توسعه دهیم. قرار نیست معارضان ما افزایش پیدا کنند، بلکه برعکس، هنر ما باید این باشد که معارض را از تعارض منصرف و درگیر نکنند. اینکه حضرت فرمودند: آیا کسی نیست که به تئازع تبدیل کنیم، قطعاً یک خطای راهبردی است. سیره و روش اهل بیت (ع) این گونه بود که هیچ گاه بر تعداد معارضان خودشان اضافه نمی کردند، بلکه تلاش آن بزرگواران این بود که درصتی ایجاد کنند تا دشمن دست از تعارض بردارد. لذا می بینید که حتی در روز عاشورا، حضرت سیدالشهدا (ع) هر فرصتی استفاده می کنند تا اگر شده، حتی یک نفر از سپاه دشمن کم شود؛ یا ببینند به طرف امام (ع) وجهه حق، یا دست کم راه خود را پیش بگیرند و بروند و خود را با حجت خدا درگیر نکنند. اینکه حضرت فرمودند: آیا کسی نیست که از حرم رسول خدا (ص) دفاع کند؟ یعنی حتی به بهانه دفاع از توماس پیامبر (ص) هم که شده، تعدادی از سپاه دشمن خارج شوند و دست از تعارض با حق بردارند.

■ **درس دوم: از تعامل با کسی که سر جنگ با ارزش ها ندارد، نگر بیزیم**
درس دوم این است که بدانیم باب تفاهم، تعامل و مذاکره با کسانی که سر جنگ با دین و ارزش های دینی ما ندارند، باز است. می گویم: «سلم لمن سالمکم»؛ پس نباید از مذاکره با کسانی که به دین و ارزش های دینی ما احترام می گذارند، فرار کنیم. «سلم لمن سالمکم» یعنی وقتی طرف مقابل در پی جنگ با ما نیست، پس می شود با او تعامل کرد. و لوا این که طرف مقابل، معتقد به اعتقادات ما هم نباشد و بخواهد منافع خودش را پی گیری کند. وقتی ما موریت خودش را جنگ و ستیز با دین و ارزش های دینی ما تعریف نکرده است و در پی دشمنی با ما نیست، طبیعتاً زمینه برای تعامل فراهم است و نباید از آن فرار کرد. در قسمت قبل، به آیات سوره و متحنه، در این زمینه، اشاره شد. خداوند می فرماید: «لَا يَأْتِيَكُمُ الْغَنَ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخَرِّجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسَمُوا لِيَهُمْ إِنْ اللَّهُ يَجْعَبُ الْمُسْلِمِينَ» یعنی خداوند شما را باز نمی دارد از این که با کسانی که با دین شما دشمنی نمی کنند، دنبال اعمال فشار و محدودیت بزنیم؛ اما تعریف باید و است و در پی دشمنی با ما نیستند، ارتباط داشته باشید و اشکالی ندارد که با این ها داد و ستد کنید. همان طور که قبلا اشاره کردم، اتفاقاً این آیه مربوط به مشرکان مکه است. می خواهد بگوید میان مشرکان هم به یک شکل حکم نکیند.

■ **درس سوم: تسامح در مبارزه با معارضان ممنوع!**
درس سومی که از این فراز ها می گیریم این است که در مبارزه با جبهه معارض، سهل نگاری و تسامح ممنوع است. می گویم: «حرب لمن حربکم»؛ اگر طرف مقابل ما معارض است، باید با او جنگید. البته شیوه های این جنگ می تواند متفاوت باشد. ما باید شیوه مقابله با معارضان را بر اساس رویکرد آنها تنظیم کنیم. اگر طرف مقابل از قدرت نرم استفاده می کند، نباید با قدرت سخت به جنگ و رفت؛ جنگ نرم را باید با جنگ نرم پاسخ داد. بنابراین، اگر دشمن تعارض و ستیز را آغاز کرده است، دیگر نباید در ستیز با او تسامح کنیم.

■ **درس چهارم: ملاک تشخیص معارض، دین و ارزش های دینی است**
درس چهارم این است که ملاک ما برای تئازع با جبهه

تسهیل سرمایه گذاری خارجی
بایوستن به اتحادیه جهانی سردفتران



چهار نوع رابطه سیاسی واجتماعی را با استفاده از این دوسطح، در این فرازیارت عاشورا، تعریف و تحلیل کرد: رابطه تئازعی و رابطه تعاملی، در دو حالت مطلق یا مشروط. که عبارت «انی سلم... تعامل مشروط، «حرب... تئازع مشروط، ولی... تعامل مطلق، و «عدو... تئازع مطلق» مطرح می کند. اکنون می خواهیم به پیام ها و درس هایی که از این شعار مهم زیارت عاشورایمی توان گرفت، اشاره کنیم. این درس ها می تواند خطی مشی سیاسی واجتماعی همه فعالان مکتبی ما را مشخص کند.

خودت قرار بده، خداوند این توفیق را به ما بدهد که دلمان برای هر که امام حسین (ع) را دوست دارد، بتپد.

■ **درس هشتم: تفکیک فعل از فاعل در رابطه ولایی**
درس هشتم این است که دوستان اهل بیت (ع) را دوست بداریم، و لوعمل آنها را دوست نداشته باشیم. اما از عمل آنها بیزار باشیم، نه از خود آنها. می گویم: «و ولی لمن والاکم»، پس قرار است تمام دوستداران اهل بیت (ع) را دوست داشته باشیم، و لو برخی از آنها گناهکار یا حتی فاسق باشند. در قرآن می خوانیم: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَنْ تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهَالَةٍ فَتُصْحَبُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ ۖ إِنَّكُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» اما گناه به ما گفته اند مسلمان فاسق را دوست نداشته باشیم. به ما گفته اند به فاسق اعتماد نکنیم. اما باید دست فاسق را گرفت و او را به راه آورد. در روایت هست که: «ان الله يحب شعار مگر و طاغوت ها را سر می دهند، سرزنش شوند، پس دیگر باید از آن دست برداشت؟ در زیارت عاشورا می خوانیم: «وورقتی البرائة من اعدائکم»، اصلاً اعلام برائت از دشمنان، رزق الهی است و آن را باید از خدا طلب نمود.

■ **درس سیزدهم: دشمن، همیشه دشمن است**
درس سیزدهم این است که میان «محارب» و «عدو» یا «ستیزه گر» و «دشمن» باید تفاوت قائل شد. دشمنی دشمن، وابسته به شروع جنگ نیست. دشمن، دشمن است، و لو دست به شمشیر نبرده باشد. این نکته بسیار مهمی است. برخی فریب می خورند، ممکن است دشمن در حال حاضر به ما لبخند بزند، اما منتظر فرصت است. دشمنی دشمن به محارب ها، بلکه به دشمنی و عداوت اوست. ما با معاویه دشمنیم، و لوا این که جنگ صفین را آغاز نکرده باشد و با او همچنان دشمن خواهیم ماند، و لو جنگ صفین به پایان رسیده باشد.

■ **درس چهاردهم: نسبت به دشمن زودباور نباشید**
درس چهاردهم این است که به دشمن خوش بین نباشیم. ادعاهای او را زود باور نکنیم. اشاره کردیم که دشمن، دشمن است و از شگرد های مختلف برای ضربه زدن به ما استفاده می کند. آیات سوره و متحنه را به یاد بیاورید. می فرماید: «وَإِنْ يَنْقُضْكُمْ بَعْدَ مَا عَاهَدُوا لَكُمْ عَهْدَهُمْ وَيُرْسِلُوا إِلَيْكُمُ الْبَنَاتِمْ وَالصَّبَاتِمْ فَلَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا إِحْسَادًا وَاعْتَصِمُوا بِحَبْرٍ مِّنَ الْمَاءِ مَا كَانَ غَرْبًا ۚ وَلَٰكِن كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوٰى رَبِّهَا فَاذْفَرَّتْ سَاقًا مُّطْرَاقًا فِى رَبْوَةٍ فَانقَلَبَتْ رُجُومًا فَوَسَّخْنَا سَاقَهَا بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَقَالَتِ الْفِرْعَوْنُ ذُرِّيَّتِيْ خَيْرًا مِّنْ دَاوُدَ الَّذِى فَضَّلْنَاهُ عَلَىٰ كُلِّ بَشَرٍ ۚ فَوَسَّخْنَا سَاقَهُ بِمُهْلِ السَّعِيرِ ۚ وَكَانَتْ أَمْسًا مِّنْ دَاوُدَ ۚ وَلَقَدْ جَاءتْ رُسُلًا مِنْ رَبِّهِمْ فَبَدَّلَتِ الْآيَاتِمْ ۚ وَكَانَتْ أَفْئِدَتُهُمْ بُذْلًا ۚ وَق